



انسجام اسلامی در عصر بیداری اسلامی

نور احمد بلند اختر کارشناس ارشد رشته تاریخ دانشگاه تهران

www.ansajam.com

اشاره

سال ۱۳۸۶ که با تدبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامیده شده، بار دیگر فرصت لازم برای زمینه سازی جهت اتحاد بهتر جامعه ایرانی و نیز انسجام ملل مسلمان را فراهم آورده است. نامگذاری سال جاری با این عنوان و در حالی که بیداری اسلامی در سراسر جهان اسلام آغاز گردیده، پدیده ای خجسته است که می تواند آغازی بر حرکت جهان اسلام به سوی وحدت واقعی باشد. وحدت و انسجام اسلامی آرزوی دیرینه پیشقراولان و فعالان در جهان اسلام از سید جمال الدین اسدآبادی گرفته تا حضرت امام خمینی و پس از آن بوده و می باشد و اکنون که بیداری اسلامی به خاورمیانه و شمال آفریقا راه یافته است و ملل اسلامی بیش از هر زمان دیگری پیشینه درخشان خود و وضعیتی که مستحق آن هستند را دریافته اند، شایسته است تا گامهای عملی تری برای حرکت به سوی



این امر مهم برداشته شود. با عنایت به جلودار بودن جمهوری اسلامی ایران در امر وحدت اسلامی و دفاع از ملل مظلوم، اتحاد ملی می تواند به پذیرش ایده های جمهوری اسلامی در محافل بین المللی به خصوص جهان اسلام کمک نماید. این نوشته در پی آن است تا با عنایت به وضعیت کنونی جهان اسلام و رشد بیداری اسلامی، یکی از زمینه های انسجام اسلامی که بحث وحدت ملی است را تبیین نماید. به باور نویسنده این سطور، اتحاد ملی ایرانیان تاثیر مستقیمی در پذیرش ایده ها و ابتکارات جمهوری اسلامی در بین ملل اسلامی خواهد داشت.

بیداری اسلامی

از مجموع کابوسهای بسیاری که هر چند وقت یک بار در تمدن غربی پیدا شده، هیچ یک به اندازه احیای اسلام در عصر حاضر، گیج کننده تر، عجیب تر و غیرقابل جبران تر نبوده است. (۱)

در سالهای اخیر اسلامگرایی و اسلام سیاسی که تقریباً تا پیش از جنگ جهانی دوم چندان وجه مشترکی با موقعیت کنونی اش نداشت، به یکی از جریانات غالب در جهان اسلام و به موضوعی مطرح در سطح بین المللی تبدیل شده است. در منظر غرب موج بیداری اسلامی هم گسترده است و هم پیچیده و پیچیدگی ناشی از این است که اسلامگرایان جدید سعی دارند از ابزار دموکراسی برای پیشبرد اهداف خود استفاده نمایند. (۲)

نهضت بیداری مسلمانان طی دو سه قرن اخیر، در جهان اسلام خصوصاً منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شکل گرفت. اندیشمندان و متفکران اسلامی با آگاهی از رکود و انحطاط تمدن و جامعه اسلامی مسأله احیاء و بازسازی تفکر دینی مسلمانان را به منظور جبران عقب ماندگی و رفع انحطاط مسلمین و چگونگی برخورد با فرهنگ و تمدن غربی و استعمار خارجی مطرح کردند. این بینش به ویژه از زمان سید جمال در قرن ۱۹ تا جنگ جهانی اول اندیشه غالب و مسلط بر جریانهای فکری و سیاسی - اجتماعی مسلمانان بود. از این رو جنبش احیاء اسلامی تأثیرات زیادی بر وضعیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جهان اسلام به جا گذاشت. به دنبال یک سری تغییر و تحولاتی که در نظام بین الملل و روابط بین کشورها پدید آمد، تحرک این نهضت کاهش یافت. البته در این دوره به طور استثنایی افرادی چون اقبال لاهوری در هند، مودودی در پاکستان، سید قطب در مصر و مصلحان شیعی در ایران مسأله احیاء و بازسازی تفکر دینی را مطرح کردند. بعد از جنگ جهانی دوم و وقوع حوادثی از قبیل شکستهای پی در پی اعراب از اسرائیل و مرگ ناصر که در رسیدن به اهدافش ناکام مانده بود، همراه با تحولات تازه ای که بر اثر تغییر در ساختار نظام بین الملل و جهان اسلام، تحولات تازه ای که بر اثر تماس با فرهنگ و تمدن غرب به وجود آمده بود، نگرش مسلمین را نسبت به خودشان و غرب متحول ساخت. با توجه به پویایی اندیشه اسلامی و سازگاری با مقتضیات زمان، جنبش اسلامی معاصر در قالب انقلاب اسلامی

در سالهای اخیر
اسلامگرایی و اسلام
سیاسی که تقریباً
تا پیش از جنگ
جهانی دوم چندان
وجه مشترکی با
موقعیت کنونی اش
نداشت، به یکی از
جریانات غالب در
جهان اسلام و به
موضوعی مطرح در
سطح بین المللی
تبدیل شده است.
در منظر غرب موج
بیداری اسلامی هم
گسترده است و هم
پیچیده و پیچیدگی
ناشی از این است
که اسلامگرایان
جدید سعی دارند
از ابزار دموکراسی
برای پیشبرد اهداف
خود استفاده نمایند



از آنجایی که از یک سو گفتمان حاکم بر بیداری اسلامی، کسب قدرت و تاسیس حکومت اسلامی است و از سوی دیگر اسلامگرایان در بسیاری از مناطق حساس جهان از جمله خاورمیانه سکنی گزیده‌اند و جهانی شدن ارتباطات، افکار، آراء و اندیشه‌های این طیف را در سطح جهان پراکنده کرده است، جهان غرب و به خصوص ایالات متحده به شدت نسبت به نشر افکار اسلامگرایان بیمناکند

متجلی شد. بیداری اسلامی و بازسازی فکر دینی به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مورد توجه جهان اسلام قرار گرفت. این فرایند به تدریج به اوج خود رسید و شکوفاتر شد؛ در نتیجه شرایط جدیدی در اندیشه مسلمانان به وجود آمد و جنبش بیداری اسلامی و بازگشت به اصول اولیه اسلام در سطح وسیع‌تر و عمیق‌تری مطرح گردید. حرکت اسلامی معاصر بی‌تردید از مهم‌ترین تحولاتی است که از اواخر دهه ۱۳۵۰ شمسی تا کنون در صحنه سیاست جهانی پدید آمده است. ابعاد گسترده تأثیرات ناشی از ظهور این پدیده سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا بر سیاستهای داخلی حکومتهای منطقه و سیاست خارجی قدرتهای بزرگ به وضوح دیده می‌شود. گرایش به بنیانهای اساسی اسلام که به اصولگرایی اسلامی شهرت یافته است، حرکتی مقطعی و محدود به یک کشور و یک موضوع خاص نیست؛ بلکه در تمام کشورهای مسلمان و سرزمینهای اسلامی و در بین تمام اقشار و گروه‌ها و در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... جریان دارد.

زمینه‌ها و ریشه‌های اصلی این حرکت را بیشتر باید در عوامل داخلی جوامع مسلمان جستجو کرد، هر چند نقش عوامل خارجی نیز به خصوص در سالهای اخیر غیر قابل انکار است. این درست است که گفته شود این حرکت در هر کشوری باید در چارچوب طبیعی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن تحلیل شود، ولی امکان ندارد بتوان علل کلی و زمینه‌های مشترک ظهور آنها را نادیده گرفت. امروزه نهضت اسلامی معاصر با عناوین و اصطلاحات متعددی همچون: اسلام سیاسی، احیاء‌گری، رستاخیز اسلامی، نهضت بیداری مسلمین، اصلاح طلبی اسلامی و ... معرفی می‌شود که شاید جامع‌ترین و معروف‌ترین آنها، اصولگرایی اسلامی باشد.

بنیادگرایی اسلامی، اصطلاحی است که از سوی رسانه‌های گروهی غرب و سیاستمداران غربی برای نامیدن مسلمانان مبارزی به کار می‌رود که رنج دوران طولانی استبداد داخلی و استعمار خارجی و تجربیات ناموفق و خسارت بار اندیشه‌های سوسیالیستی، ناسیونالیستی، لیبرالیستی و ... را برای حل مشکلات جوامع اسلامی به دوش می‌کشند و خواهان احیاء ارزشهای اسلامی و به کارگیری قواعد و اصول اسلامی در حاکمیت سیاسی جامعه هستند، این جنبش یک نهضت فکری گسترده با هویتی کاملاً اساسی و انقلابی در پی عظمت و سربلندی مسلمانان و جوامع اسلامی می‌باشد.

سیاستمداران و شبکه‌های تبلیغاتی گسترده غرب با راه‌انداختن موج وسیع تبلیغاتی، سعی دارند جنبش

معاصر تجدید حیات اسلامی را به عنوان یک پدیده خشن که حالتی زودگذر و ناپایدار دارد و فاقد پشتوانه مردمی و ناتوان از اداره امور سیاسی - اقتصادی جامعه است، معرفی کنند. در غرب هر گاه از جنبشهای اسلامگرا صحبت می‌شود، ترور، خشونت و برخوردهای غیر عقلانی کورکورانه را در کنار آن قرار می‌دهند. هر گاه تصویری از مردم ستمدیده فلسطین را نشان می‌دهند، ابتدا تصویر جوان فلسطینی که در حال پرتاب سنگ است و سپس سرباز اسرائیلی را به صحنه می‌آورند تا بدین گونه عمل سرباز اسرائیلی را دفاع از خود و اقدام قانونی و مشروع و مقابله با هرج و مرج و برهم زدن نظم جامعه تلقی کنند.

از آنجایی که از یک سو گفتمان حاکم بر بیداری اسلامی، کسب قدرت و تاسیس حکومت اسلامی است و از سوی دیگر اسلامگرایان در بسیاری از مناطق حساس جهان از جمله خاورمیانه سکنی گزیده‌اند و جهانی شدن ارتباطات، افکار، آراء و اندیشه‌های این طیف را در سطح جهان پراکنده کرده است، جهان غرب و به خصوص ایالات متحده به شدت نسبت به نشر افکار اسلامگرایان بیمناکند. احیای اسلام که در سالهای اخیر به مدد یک سری مولفه‌ها از جمله سیاستهای توسعه طلبانه ایالات متحده در کشورهای اسلامی شدت گرفته است، هراس غرب از این پدیده را دو چندان کرده و اجرای طرحهای آنان برای مناطقی همچون خاورمیانه را با علامت سوال مواجه کرده است. روند تحولات جهان اسلام در یکی دو سال اخیر با عنایت به قضایای همچون پیروزی جنبش اسلامگرای حماس در فلسطین، پیشرفت قابل توجه اخوان المسلمین در انتخابات پارلمانی مصر، شکست بی سابقه اسرائیل در جنگ لبنان، تحرکات گسترده اسلامگرایان در کشورهای واقع در شمال آفریقا، خاورمیانه، شرق آسیا و ... بیانگر آن است که احیای اسلام بیش از هر زمان دیگری رونق گرفته است.

دلایل بیداری اسلامی در عصر حاضر

در مورد بیداری اسلامی به عنوان یک مساله مهم، نظرات مختلفی مطرح شده است. برخی آن را ناشی از فقر و بدبختی جوامع مسلمان در مقایسه با جوامع غربی می‌دانند. برخی دیگر آن را محصول مدرنیته می‌دانند. برخی نویسندگان مسلمان هم بیداری اسلامی را پدیده‌ای در اعتراض به حکومتهای ستمگر و استبدادی تلقی کرده‌اند. عده‌ای آن را پدیده‌ای مسالمت‌جو و مشارکت‌خواهانه دانسته‌اند و عده‌ای دیگر، آن را مبارز و معارض. در مجموع، این دیدگاه را می‌توان در یک دسته‌بندی کلی تر ترسیم کرد.



یک دیدگاه را می‌توان دیدگاه «همکاری» و دیدگاه دیگر را «تقابل‌گرا» نامید. دیدگاه همکاری، بیداری اسلامی را پدیده‌ای مدرن می‌داند که در اعتراض به برخی مشکلات جهان اسلام مثل فقر، شکافهای فرهنگی و بحران هویت پدید آمده است و این، در اصل چالش فرهنگی است که الزاماً پاسخی فرهنگی می‌طلبد. طرفداران این دیدگاه بر آن هستند که اکثریت اسلام‌گرایان اهل همکاری و تلاشهای مسالمت‌جویانه و دموکراتیک هستند. به نظر این گروه از نویسندگان، اسلام‌گرایان در رقابتهای دموکراتیک قابل جذب هستند و با وارد کردن آنها به فرایند قدرت، می‌توان در فرایند قدرت و دموکراسی حلشان کرد. هر ایراد دکمچیان، اسلام‌گرایی را نتیجه بحرانهای اجتماعی به تأخیر افتاده یا به عبارت دیگر، انباشته شدن سهم توده‌های فقیر و بدبخت جامعه، در حوزه‌های اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و روحی می‌داند که سبب شده است تا اسلام‌گرایان به صورت واکنشی عمل کنند و بنیادگرایی اسلامی به صورت زمینه‌ای برای بحران هویت، مشروعیت و ... در جهان اسلام بروز کند. (۳)

هوشنگ امیراحمدی خشونت و ستیزه‌جویی اسلام‌گرایان را ناشی از فقر، شکاف هویتی و فرهنگی می‌داند. به باور وی ریشه افراط‌گرایی اسلامی را باید در خارج از دین جستجو کرد. به نظر وی مسلمانان امروزی با مشکلاتی همچون یأس فرهنگی، شکست

اقتصادی، فشار سیاسی و آشفتگی فکری روبرو می‌باشند. (۴) در مقابل این دیدگاه «تقابل‌گرایان» قرار دارند. این گروه اعتقاد جدی به برخورد میان اسلام و غرب دارند. به باور آنها مسلمانان به لحاظ ضدیت با غرب و ایدئولوژی ضد سکولاریسم، از همان ظرفیتهای کمونیسم برخوردارند. دانیل پاییز، برنارد لوئیس، فرانسیس فوکویاما، ساموئل هانتینگتون، ریچارد فالک و تعداد زیادی از متفکران غربی از جمله طرفداران این دیدگاه هستند. این گروه چالش بین اسلام و غرب را چالشی فلسفی می‌دانند که میان سرمایه‌های دو جناح، یعنی ارزشهای غربی و هویت اسلامی وجود دارد. به اعتقاد هانتینگتون، این چالش که در اصل چالش هویتی - فرهنگی است تحت تأثیر عقب‌ماندگی جوامع اسلامی و پیشرفت غرب تشدید می‌شود. وی تأکید می‌کند که «تلاشهای غرب برای ترویج ارزشهای خود، یعنی دموکراسی و لیبرالیسم به عنوان ارزشهای جهانی و حفظ برتری نظامی و پیشبرد منافع اقتصادی‌اش، واکنش تلافی‌جویانه تمدنهای دیگر (و از جمله اسلام) را برمی‌انگیزد». (۵)

بیداری اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر

حوادث ۱۱ سپتامبر اوج تهدیدات امنیتی علیه ایالات متحده بود و رسماً بیداری اسلامی را در کانون توجه جدی و حملات آن کشور قرار داد. ترس از

واکنش تند غرب به مجموعه اسلام‌گرایان، هویت خواهی مسلمانان را تشدید کرده و تزلزل مشروعیت رژیمهای منطقه را در پی داشته است. پس از ۱۱ سپتامبر، شیوه‌های دموکراتیک کسب قدرت نیز از سوی اسلام‌گرایان منطقه خاورمیانه تشدید شده و گرمی و رونق خاص یافته است. حملات شدید تبلیغاتی علیه جهان اسلام و حمله نظامی به افغانستان و سپس عراق که جریان هویت اسلامی را تشدید کرده است، سبب شده است تا در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، اسلام‌گرایان با اقبال عمومی مواجه شوند و پیروزیهای نسبتاً خوبی به دست آورند



تحریم گسترده دولت فلسطین به رهبری حماس که در انتخاباتی کاملاً دموکراتیک روی کار آمده بود، از سوی غرب در کنار رویکرد آمریکا در قبال جنگ اسرائیل علیه لبنان نشان داد که تمامی اظهارات مقامات آمریکایی درباره تشکیل کشور مستقل فلسطینی نیز سرابی بیش نیست

تواناییهای غیرمتعارف مسلمانان از جمله دسترسی آنها به سلاحهای کشتار جمعی، غرب را بیش از پیش در معرض تهدید قرار داده است. این بار، چالشها هم علیه منافع غرب در منطقه است و هم مستقیماً علیه غرب در خود غرب. این معضل امنیتی سبب طرح آسیب‌پذیری کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده، تحمیل هزینه‌های فراوان برقراری امنیت و محدودیت‌های مختلف در روابط غرب با جهان اسلام شده است.

واکنش تند غرب به مجموعه اسلام‌گرایان، هویت خواهی مسلمانان را تشدید کرده و تزلزل مشروعیت رژیم‌های منطقه را در پی داشته است. پس از ۱۱ سپتامبر، شیوه‌های دموکراتیک کسب قدرت نیز از سوی اسلام‌گرایان منطقه خاورمیانه تشدید شده و گرمی و رونق خاص یافته است. حملات شدید تبلیغاتی علیه جهان اسلام و حمله نظامی به افغانستان و سپس عراق که جریان هویت اسلامی را تشدید کرده است، سبب شده است تا در بسیاری از کشورهای خاورمیانه، اسلام‌گرایان با اقبال عمومی مواجه شوند و پیروزیهای نسبتاً خوبی به دست آورند. جنگ اسرائیل علیه حزب الله لبنان به تشدید این روند کمک شایان توجهی کرد. شکست اسرائیل هیمنه این رژیم را در هم شکست و ملل مسلمان را به رسیدن به نقطه‌ای مطلوب امیدوار ساخت.

نگاه مسلمانان به غرب پس از جنگ لبنان
 رویکرد آمریکا در قبال جنگ لبنان و حمایت تمام عیار این کشور از اسرائیل در سرکوب حزب الله، کشتار مردم بی دفاع لبنان و نیز نابودی زیر بناهای اقتصاد لبنان بار دیگر مسلمانان را به این مسئله واقف کرد که ایالات متحده در کنار رژیم صهیونیستی، اصلی‌ترین دشمن مسلمانان است. تحریم گسترده دولت فلسطین به رهبری حماس که در انتخاباتی کاملاً دموکراتیک روی کار آمده بود، از سوی غرب در کنار رویکرد آمریکا در قبال جنگ اسرائیل علیه لبنان نشان داد که تمامی اظهارات مقامات آمریکایی درباره تشکیل کشور مستقل فلسطینی نیز سرابی بیش نیست. نظرسنجی‌های صورت گرفته پس از جنگ لبنان از سوی موسسات معتبر بین‌المللی بر نفرت بی سابقه مسلمانان از اسرائیل و آمریکا صحه می‌گذارد. در این جا برای نمونه به نتایج یک نظرسنجی از مسلمانان که توسط موسسه زوجگی و دانشگاه مریلند آمریکا پس از جنگ اسرائیل علیه لبنان انجام شده اشاره می‌شود. نتایج این نظرسنجی که در شش کشور امارات، عربستان، مصر، اردن، لبنان و مراکش انجام شده به شرح زیر است. (۶)

سوال: لطفاً بفرمایید، کدام رهبر سیاسی خارج از کشور شما، مطلوب و ایده آل است؟

جواب: ۱. حسن نصرالله ۲. شیراک ۳. احمدی نژاد
 سوال: لطفاً بفرمایید، کدام رهبر سیاسی خارج از کشور شما، بدترین رهبر است؟

جواب: ۱. بوش ۲. شارون ۳. المرت ۴. بلر
 سوال: فکر می‌کنید چه کشورهایی اصلی‌ترین دشمن شما هستند؟

جواب: ۱. اسرائیل ۲. آمریکا
 سوال: اعتماد شما به ایالات متحده چه میزان است؟

جواب: اصلاً اعتماد ندارم - ۶۰ درصد، تا حدودی اعتماد دارم - ۳۰ درصد، کمی اعتماد دارم - ۱۰ درصد.

سوال: ایالات متحده پس از جنگ عراق به اشاعه دموکراسی در خاورمیانه پرداخت. آیا به این امر باور دارید؟

جواب: هدف آمریکا اشاعه دموکراسی نیست - ۶۲ درصد.

وحدت و انسجام اسلامی

بیش از دو قرن است که متفکران و نظریه پردازان جهان اسلام تلاشهای خود را معطوف به پدیده وحدت اسلامی کرده‌اند. سید جمال الدین اسدآبادی که بسیاری وی را سرآغاز و منادی بیداری اسلامی در





رویکرد آمریکا
در قبال جنگ
لبنان و حمایت
تمام عیار این
کشور از اسرائیل
در سرکوب حزب
الله، کشتار مردم
بی دفاع لبنان و نیز
نابودی زیربناهای
اقتصاد لبنان بار
دیگر مسلمانان
را به این مسئله
واقف کرد که ایالات
متحده در کنار
رژیم صهیونیستی،
اصلی ترین دشمن
مسلمانان است

دستگی. در نتیجه مدت زیادی آن قبیله را خوار و ذلیل نمود و به عذاب دردناک حقارت و زبونی مبتلا ساخت، بعد هم به طور همیشگی نامشان را از صفحه تاریخ زندگی اقوام محو گردانید. از نظر سید جمال برتری و نیرومندی لازمه وحدت و یگانگی است وی می گوید: لازمه یگانگی، سیادت و بازده اتفاق برتری و نیرومندی است. (۱۰)

مرحوم شهید مرتضی مطهری که خود از پیشگامان تجدید حیات اسلام و تفکر دینی معاصر در ایران به شمار می رود، در رساله اقبال، معمار تجدید بنای اسلام، در مورد این که چگونه سید جمال به تنهایی و بدون داشتن امکانات گسترده توانست رستاخیزی در جهان اسلام به پا کند، می گوید:

«این همه قدرت و نفوذ چرا؟ چه عاملی موجب شد که فریاد یک تن تا اعماق دلها و اقصی سرزمینها راه کشد؟ جز این نبود که این ندا را ندای دعوت یک آشنا احساس کردند؟ احساس کردند که این صدا از اعماق روح و فرهنگ و تاریخ پرافتخار و حیات و حماسه خودشان درآمده است. این صدای غریبه نیست، ترجمه آخرین موج فکری خارجی نیست. این صدا یکی از انعکاسات همان فریادی است که در حرا در مکه، مدینه، در تنگه الطارق و در جنگهای صلیبی می پیچید. همان صدای حیات بخش دعوت به جهاد و عزت و قدرت است که در گوش تاریخ پر از حماسه اسلام طنین افکن است. (۱۱)

منادیان وحدت اسلامی پس از سید جمال در گوشه و کنار بلاد اسلامی راه این تفکر را ادامه دادند و افراد بزرگی همچون کواکبی، اقبال، مودودی، عبدالکریم

عصر جدید می دانند، عمده تلاش خود را در راه تحقق اتحاد دنیای اسلام به کار برد.

به نظر او راه نجات کشورهای اسلامی از زیر یوغ بیگانگان و رسیدن به استقلال، اتحاد همه آنها با یکدیگر و آن گاه مبارزه علیه بیگانگان است. به مصداق آیه شریفه: واعتصموا بحبل الله جمیعا و لاتفرقوا واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا. (۷)

یعنی دست توصل به طناب خدا بزنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که دشمنان یکدیگر بودید، ولی او در میان دلهای شما الفت برقرار ساخت و به لطف او برادران و دوستان یکدیگر شدید. او سعی داشت که ملت‌های به خواب رفته اسلامی را بیدار کند، حتی برای تحقق آرمانهای خویش ناچار شد، مدتی به جرگه فراماسونری در مصر بپیوندد. (۸)

سید معتقد بود که عظمت و پیشرفت پیشین مسلمانان بر اثر وحدت و اتحاد بوده و شکست و عقب ماندگی کنونی آنان نتیجه تفرقه و تشتت دل‌های آنان است. از این رو معتقد بود: اتحاد و همبستگی جهت تقویت ولایت اسلامی، از قوی ترین ارکان دیانت محمدی و عقیده به آن از ابتدایی ترین عقاید در نزد مسلمانان است که در آن احتیاج به استادی که آن را تعلیم بدهد و یا کتابی که آن را ثابت بسازد و یا رساله‌ای که آن را منتشر کند، ندارد. (۹)

به عقیده سیدجمال، سهم و بهره هر قوم و ملتی از بقا و نیرومندی به میزان وحدت و یگانگی آن ملت بستگی دارد و خداوند هیچ قبیله‌ای را نابود نساخت مگر بعد از مبتلا شدن آنان به مصیبت نفاق و دو

بیداری اسلامی
 اکنون به هراس
 عمده غرب تبدیل
 شده و به همین
 دلیل استراتژیهای
 غرب در راستای
 برخورد با این امر
 طراحی شده است.
 نامگذاری سال
 جاری با عنوان
 اتحاد ملی و انسجام
 اسلامی از سوی
 رهبر معظم انقلاب
 می تواند زمینه را
 برای جمع شدن
 ملل اسلامی حول
 محورهای مشترک
 فراهم آورد، اما
 همان گونه که در
 متن اشاره شد، یکی
 از راههای رسیدن
 به انسجام اسلامی
 و پذیرش ایده های
 جمهوری اسلامی در
 محافل بین المللی
 تحقق اتحاد ملی و
 مبارزه با توطئه های
 غرب برای سست
 کردن اتحاد ملی
 است

زنجانی، حضرت امام خمینی، علامه شهید مطهری و ... در این راه تلاش بی حدی را به انجام رساندند. یکی از این متفکران و بزرگان این تفکر آیت الله سید محمد باقر حکیم است که می گوید: وحدت بر نژاد و خون متکی نیست؛ زیرا وحدت اسلامی همه نژادها و امتها را در دامن پرورش خود قرار می دهد و نیز وحدت بر موقعیت جغرافیایی تکیه ندارد؛ چه افراد امت همواره از سرزمینهای گوناگون به پا خاسته اند و بر زبان و لغت خاص نیز مبتنی نیست؛ زیرا گروههایی از انسانها را در بر گرفته که لغتهای مختلف دارند. (۱۲)

بنیانگذار انقلاب اسلامی که بیش از هر متفکر دیگری در دوره معاصر در راستای وحدت اسلامی تلاش کرد و انقلاب اسلامی ثمره فراخواندن ملت ایران به وحدت کلمه و جمع شدن حول یک پرچم بود، می فرماید: به ضرورت ایجاد حکومت اسلامی و اتحاد و یکپارچگی مسلمانان توجه داشته باشید. صفوف خود را متشکل تر سازید و کاردانان و آگاهان مسلمان باید اداره کنندگان انقلاب باشند و روابط تشکیلاتی را به وجود آورند. (۱۳)

حرکت به سمت اتحاد بیشتر

اکنون که به لطف و یاری خداوند باریتعالی، مسلمانان در حال بازگشت به هویت اصلی خود هستند و این روند بیش از هر زمان دیگری شدت گرفته است، شایسته است تا همان گونه که سال جاری با عنوان اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامگذاری شده است در راستای تحقق این مهم تلاش شود. یکی از راهکارهای نیل به انسجام اسلامی تقویت اتحاد ملی است. ایران کشوری چند پارچه و متشکل از قومیتها، ادیان و مذاهب گوناگون است. به علاوه، با توجه به سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام که با عنایت رهبر معظم انقلاب از سال ۱۳۸۴ اجرایی گردید و تا سال ۱۴۰۴ ایران باید به کشور اول منطقه تبدیل شود، پیمودن تمامی مسیرها برای تحقق این مهم ضروری است، یکی از اصلی ترین پیش نیازهای این امر، وحدت ملی است که تحقق آن مستلزم یک سری راهکارها به شرح زیر است:

۱. اکنون که دولتی عدالت مدار روی کار است، شایسته است تا مناطق محروم مورد توجه بیشتر مسئولان قرار گیرد تا محرومیت از چهره این مناطق زدوده شود.

۲. توجه بیشتر به قشر تحصیل کرده و نخبه جامعه امری ضروری است تا به تدریج سیستم مدیریتی کشور این افراد را در خود جای دهد.

۳. بهبود وضعیت اقتصادی مردم و بالا بردن

استانداردهای زندگی، امری بدیهی است.

نتیجه

همان گونه که گفته شد گسترش موج بیداری اسلامی در سالهای اخیر و پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ توجه خاص مقامات و سیاستمداران غربی را به خود جلب نموده است، به طوری که واکنش غرب در مقابل مجموعه اسلامگرایان هویت خواهی مسلمانان را تشدید کرده و تزلزل رژیمهای خاورمیانه را نیز تا حدودی در پی داشته است.

بیداری اسلامی اکنون به هراس عمده غرب تبدیل شده و به همین دلیل استراتژیهای غرب در راستای برخورد با این امر طراحی شده است. نامگذاری سال جاری با عنوان اتحاد ملی و انسجام اسلامی از سوی رهبر معظم انقلاب می تواند زمینه را برای جمع شدن ملل اسلامی حول محورهای مشترک فراهم آورد، اما همان گونه که در متن اشاره شد، یکی از راههای رسیدن به انسجام اسلامی و پذیرش ایده های جمهوری اسلامی در محافل بین المللی تحقق اتحاد ملی و مبارزه با توطئه های غرب برای سست کردن اتحاد ملی است. بدون تردید می توان گفت، زمانی که ایران به نقطه مطلوب اتحاد ملی نرسیده باشد و حقوق قومیتها، ادیان و مذاهب مختلف در آن تضییع شود، نمی توان به پذیرش ایده های آن در جهان اسلام، چشم دوخت. به عبارت ساده تر اتحاد ملی که تبلور اجرای عدالت است، می تواند کمک موثری به خنثی سازی تبلیغات سوء علیه ایران نموده و ایده های مترقیانه ارائه شده از سوی رهبران آن را با پذیرش عمومی در جهان اسلام مواجه نماید.

پی نوشتها

۱. بابی سعید. هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور بیداری اسلامی. ترجمه غلامرضا جمشیدیها و موسی عنبری، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹)، ص ۱.

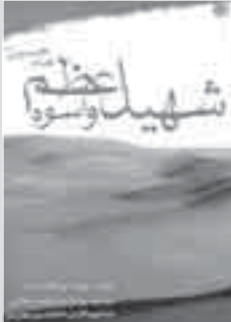
۲. بنیادگرایی دینی و واقعه ۱۱ سپتامبر. شبکه خبر دانشجو. قابل دسترس در:

<http://www.bashgah.net/Articles/bodya.asp?id=۱۱۴۴>

۳. Maria do Ceu Pinto, Political Islam and the United states, (Reading, Uk: Ithaca Press, ۱۹۹۹), P. ۱۷.

۴. دانیل پاییز. امامهایی با کت و شلوار نواردوزی شده، ترجمه پریسا رضایی، رسانه های دنیا، شماره ۱۸۸۸، (۲۹ بهمن ۱۳۸۰)، صص ۷۳-۶۹





شهید و اسوه اعظم، امام حسین (ع)
(سیر تاریخی شهادت امام حسین (ع))
 مؤلف: ابوالکلام آزاد
 مترجم: مولوی نذیر احمد سلامی
 مصحح: غلامحسین جهانتیغ
 به کوشش: مؤسسه فرهنگی هفت اقلیم شرق
 تعداد صفحات: ۱۱۲
 قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

در راستای تبیین قیام حسین (ع)، کتابها و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده و به زیور طبع آراسته گردیده است. از آغاز قیام دهم اولین ماه سال شصت و یک هجرت نبوی تا کنون، خطبای زیادی که اولین آنها خود قیام کنندگان بودند، با معرفی و هدف قیام خویش، خطبه خواندند و پیام رسانان بعدی از خاندان اهل بیت رحمة للعالمین (ع)، زینب کبری (ع) خواهر و امام سجاد (ع) برادر آن اسوه عبادت و عدالت یعنی بزرگ ترین شهید تاریخ بودند.

هر نویسنده و خطیبی، در حد فهم، وسع علمی، فرهنگ و فضای حاکم بر منطقه جغرافیایی خویش با احساس و وظیفه، مطالبی را درباره واقعه مذکور تحریر و یا برای مستمعین خویش با زبان تشریح کرده است.

مولانا ابوالکلام آزاد، از سرزمین تکرگرایی دینی، هندوستان، که بنا به اذعان علمای برجسته معاصرش نویسنده‌ای چیره‌دست، خطیبی توانا، مبارزی ظلم ستیز، امام انقلاب، شاعری آزاده، آزاد و سیاستمداری آگاه بود، قلم به دست گرفته و با دو بیان «سیر تاریخی حادثه کربلا» و «اسوه حسینی (ع)»، شوق و محبت به اهل بیت (ع) را عروقه لوثقایی معرفی کرده که بدون تمسک به آن، هر نوشته و سخنی عبث و بیهوده خواهد بود.

از نکات برجسته این اثر که مؤلف و مترجم نیز

۵. ساموئل هانتینگتون. رویارویی تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۰-۶۹، (خرداد و تیر ۱۳۷۲)، صص ۶-۷

۶. Saban Center for Middle East Policy at the Brookings Institution Presents, Anwar Sadat Chair for Peace and Development, University of Maryland /Zogby International, ۲۰۰۶ Annual Arab Public Opinion Survey. On: www.brook.edu

۷. آل عمران، ۱۰۳.

۸. علی اصغر حلبی، تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر، (تهران: انتشارات بهبهانی، ۱۳۷۱)، ص ۱۶.

۹. محمد جواد مصباحی، سید جمال الدین اسدآبادی بنیانگذار نهضت تفکر دینی، (تهران: فکر روز، ۱۳۷۵) صص ۱۴۵-۱۴۳.

۱۰. سید جمال الدین اسدآبادی، عروه الوثقی، ج ۱، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، (تهران: انتشارات حجر، بی تا)، ص ۱۹۰ - ۱۸۹.

۱۱. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان، روحانیت از دیدگاه شهید مطهری، (اصفهان، کمیته فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان، بی تا) صص ۴۰ - ۳۹.

۱۲. سید احمد موثقی، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلامی (جلد ۲)، (تهران: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱) ص ۴۵۰.

۱۳. راشد الغنوشی، حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلامی، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، (تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۲) صص ۴۲.

منابع و ماخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. بابی، سعید، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور بیداری اسلامی، غلامرضا جمشیدی و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۳. پاییز، دانیل، امام‌هایی با کت و شلوار نواردوزی شده، پریسا رضایی، رسانه‌های دنیا، شماره ۱۸۸۸.
۴. هانتینگتون، ساموئل، رویارویی تمدن‌ها، مجتبی امیری، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۷۰-۶۹، جلی، علی اصغر، تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر، تهران، بهبهانی، ۱۳۷۱.
۵. محمد جواد، سید جمال الدین اسدآبادی بنیانگذار نهضت تفکر دینی، تهران، فکر روز، ۱۳۷۵.
۶. اسدآبادی، سید جمال الدین، عروه الوثقی، زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران، بی تا.
۷. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان، روحانیت از دیدگاه شهید مطهری، اصفهان، کمیته فرهنگی جهاد دانشگاهی اصفهان، بی تا.
۸. موثقی، سید احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلامی، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱.
۹. غنوشی، راشد، حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلامی، سید هادی خسرو شاهی، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۲.